



رمزگشایی از ادبیات مقاومت مطالعه نظریه داده بنیاد بر راهبردهای ارتباطی در دعای ۱۴ صحیفه سجادیه

فاطمه فلاح تفتی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2026.31178.1178

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳



چکیده

این پژوهش با هدف رمزگشایی از ادبیات مقاومت و استخراج یک نظریه نظام‌مند از راهبردهای ارتباطی در دعای چهاردهم صحیفه سجادیه انجام شده است. این دعا که به دادخواهی مظلومان می‌پردازد، در شرایط خفقان پس از واقعه کربلا، به‌عنوان ابزاری هوشمندانه برای توانمندسازی معنوی و مقابله با ستم به کار رفته است. برای دستیابی به این هدف، از روش کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory) با رویکرد سازنده‌گرای شارمز استفاده شد. متن دعا طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. تحلیل داده‌ها به شکل‌گیری یک مدل نظری تحت عنوان «دادخواهی توحیدی و توانمندسازی درون‌زا» منجر شد. این مدل نشان می‌دهد که فرایند مقاومت بر «جهان‌بینی توحیدی دادخواهانه» (شرایط علی) استوار است و در مواجهه با «پدیده ظلم و انگیزه ستم» (شرایط زمینه‌ای) فعال می‌شود. مظلوم با به‌کارگیری «راهبردهای دادخواهی معنوی» (پدیده مرکزی) مانند انحصار شکایت به خدا و درخواست مهار ظالم، و هم‌زمان «بازتنظیم درونی و رضایت» (راهبردهای تعاملی)، به «پیامدهای تحول‌آفرین» همچون آرامش روانی، افزایش استقامت و تغییر وضعیت ظلم دست می‌یابد. این پژوهش دعا را نه صرفاً یک عمل عبادی، بلکه ابزاری قدرتمند برای احقاق حق و مقاومت اخلاقی معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات مقاومت، صحیفه سجادیه، دادخواهی توحیدی، توانمندسازی درون‌زا، ظلم، نظریه داده‌بنیاد.



۱- دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. f.fallah@atu.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

دعا در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه در تشیع، پدیده‌ای چندوجهی و عمیقاً تأثیرگذار است که فراتر از یک عمل عبادی، ابزاری قدرتمند برای هدایت، تربیت و مقاومت در برابر چالش‌هاست. در این میان، صحیفه سجادیه، معروف به زیور آل محمد، مجموعه‌ای بی‌بدیل از ادعیه امام علی بن الحسین زین‌العابدین (ع) است که در دوران خفقان شدید سیاسی پس از واقعه کربلا نگاشته شده است. امام سجاده (ع) در این دوره، از بستر دعا برای انتقال پیام‌های حیاتی، تبیین معارف ناب اسلامی و روشنگری در برابر انحرافات استفاده کردند که راهبردی است هوشمندانه برای مصون ماندن پیام‌ها از سانسور و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده. دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، که موضوع اصلی این پژوهش است، به مسئله ظلم و دادخواهی مظلومان می‌پردازد. این دعا، حاوی مضامین عمیق روان‌شناختی، الهیاتی و اجتماعی است که می‌تواند به‌عنوان یک ادبیات مقاومت معنوی تحلیل شود. در شرایطی که امکان اعتراض علنی و مقابله مستقیم برای مظلوم وجود نداشت، این دعا ابزاری قدرتمند برای ابراز درد، طلب یاری و بازایی توان درونی در برابر جور و ستم فراهم می‌آورد.

با وجود اهمیت بی‌بدیل صحیفه سجادیه و این دعای خاص، مطالعات موجود عمدتاً به شرح تفسیری، ترجمه، یا تحلیل‌های موضوعی سنتی از آن پرداخته‌اند؛ درحالی‌که راهبردهای ارتباطی و شیوه‌های انتقال پیام در این متون، به‌ویژه در شرایط خفقان‌آور، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. این خلأ پژوهشی ما را به سمت بررسی چگونگی شکل‌گیری ادبیات مقاومت و مکانیزم‌های ارتباطی پنهان برای توانمندسازی مظلوم و تضعیف ظالم در این دعا رهنمون می‌سازد.

پرداختن به این موضوع با استفاده از نظریه داده بنیاد (Grounded Theory) این امکان را فراهم می‌آورد که به‌جای آزمودن یک فرضیه پیشینی، از دل داده‌های متنی (متن دعا) به‌طور استقرایی یک نظریه زمینه‌ای و مبتنی بر واقعیت‌های موجود در متن، پیرامون ادبیات مقاومت و راهبردهای ارتباطی آن استخراج شود. این روش، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا مفاهیم، مقولات و روابط بین آن‌ها را کشف کرده و درنهایت، یک چارچوب تحلیلی و منسجم را از دل دعا استخراج کند. این نظریه می‌تواند الگوهای جدیدی از مواجهه معنوی با ظلم و ستم را به جوامع امروزی ارائه دهد و ابعاد پنهان‌تر رهبری ائمه (ع) در شرایط سخت را نمایان سازد.



این پژوهش با هدف اصلی توسعه نظریه‌ای از ادبیات مقاومت بر اساس راهبردهای ارتباطی نهفته در دعای ۱۴ صحیفه سجاده صورت می‌گیرد. دستیابی به این هدف مستلزم شناسایی مضامین و مفاهیم کلیدی مقاومت و دادخواهی، تبیین شیوه‌های ارتباطی و بلاغی، کشف مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی مظلوم، تفسیر نقش عدالت الهی و بررسی کارکرد اجتماعی و سیاسی دعای ۱۴ است. پژوهش حاضر از دو منظر نظری (توسعه دانش در حوزه ارتباطات دینی با استفاده از گراند تئوری، غنی‌سازی مطالعات صحیفه سجاده و مشارکت در نظریه‌پردازی زمینه‌ای) و کاربردی (ارائه الگوهایی برای مقاومت معنوی و دادخواهی، تقویت تاب‌آوری روان‌شناختی، و راهنمایی برای فعالان حقوق بشر) دارای اهمیت و ضرورت فراوان است.

۱. تعریف مفاهیم کلیدی

۱.۱. ادبیات مقاومت (در بافت دعا): ادبیات مقاومت به آثاری اطلاق می‌شود که در برابر ستم و استبداد، روحیه مبارزه و هویت را تقویت می‌کنند (ر.ک. سنگری ۱۳۸۳، ۳۹: ۴۵-۵۳؛ بصیری ۱۳۸۴؛ قانون ۱۳۳۶). در دعای چهاردهم صحیفه سجاده، این مفهوم به مضامین کلامی و بلاغی اشاره دارد که هدفشان تقویت پایداری، دادخواهی و مقابله معنوی با ظلم است. این ادبیات، دعا را به ابزاری برای بیان اعتراض و حفظ کرامت انسانی در شرایط خفقان تبدیل می‌کند (ر.ک. طباطبایی ۱۳۷۸).

۱.۲. راهبردهای ارتباطی: راهبردهای ارتباطی، شیوه‌های هوشمندانه برای انتقال مؤثر پیام به مخاطبان در بسترهای اجتماعی و سیاسی هستند (ر.ک. مک کویل، ۱۳۸۹؛ لیتل جان ۱۳۹۷). در دعای چهاردهم صحیفه سجاده، این راهبردها به تاکتیک‌های بلاغی و کلامی اشاره دارند که برای انتقال غیرمستقیم پیام‌های مقاومت و دادخواهی به کار رفته‌اند. این شامل استفاده از زبان نمادین، تکرار مضامین کلیدی، لحن تضرع و تمرکز بر ابعاد الهیاتی برای پنهان کردن پیام‌های سیاسی اجتماعی از دید حکومت و رساندن آن به مخاطبان اصلی است.

۱.۳. صحیفه سجاده: صحیفه سجاده، که به «خواهر قرآن» و «انجیل اهل بیت» نیز شناخته می‌شود، شامل دعاهایی است که امام سجاده (ع) در قالب آن‌ها اصول اخلاقی، شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی را به دلیل تقيه بیان کرده است (سبحانی تبریزی و جعفری ۱۳۷۸: ۶/۱: ۴۰۶/۱). این کتاب به مباحث مهمی چون امامت، حقانیت امامان و عصمت آنان می‌پردازد (جعفریان، بی‌تا، ۲۷۵). همچنین، افشاگری علیه غاصبان خلافت، ترویج حاکمیت ائمه، حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم از دیگر مسائل سیاسی مطرح‌شده در آن است (ترابی، ۱۳۸۸: ۲۸۶-۲۸۷). مضامین توحیدی و تضرع به درگاه الهی نیز از



درون‌مایه‌های اصلی این دعاهاست (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۶، عمادی حائری: «صحیفه سجاده»؛ ۳۹۲). در این پژوهش، صحیفه سجاده به‌عنوان منبع اصلی و داده‌های متنی برای تحلیل ادبیات مقاومت و راهبردهای ارتباطی در قالب دعا استفاده می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

این بخش به تبیین چارچوب‌های نظری می‌پردازد که در فهم و تحلیل دعای چهاردهم صحیفه سجاده به‌عنوان یک ادبیات مقاومت معنوی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر که از رویکرد سازنده‌گرایی نظریه داده‌بنیاد بهره می‌برد، چارچوب نظری نه به‌عنوان مجموعه‌ای از فرضیه‌های آزمون‌پذیر، بلکه به‌عنوان مفاهیم حساس‌کننده^۱ (Sensitizing Concepts) به کار رفته است. این چارچوب به پژوهشگر کمک می‌کند تا با آمادگی مفهومی بیشتری به تحلیل داده‌ها بپردازد و لایه‌های عمیق‌تر معنایی را کشف کند. بر این اساس، نظریه‌های ارتباطات، مقاومت و الهیات شیعی، لنز تحلیلی این پژوهش را برای فهم دعای چهاردهم به‌عنوان یک کنش مقاومت معنوی، صورت‌بندی می‌کنند.

۲-۱-۱. نظریه‌های ارتباطات و بلاغت: دعا، در جوهر خود، یک عمل ارتباطی است که فراتر از یک گفتگوی یک‌طرفه با خداوند، شامل انتقال پیام‌های عمیق به مخاطبان انسانی نیز می‌شود. نظریه‌های ارتباطی مانند مدل شانون و ویور (Shannon-Weaver model, 2024) به فهم فرایند ارسال و دریافت پیام در بستر دعا کمک می‌کنند، اما پیچیدگی معنایی دعا نیازمند رویکردهای غنی‌تری است. مفهوم کاشت^۲ باورها از طریق تکرار مفاهیم دعا، می‌تواند چگونگی شکل‌گیری ادبیات مقاومت و نهادینه‌شدن آن را تبیین کند (گوتتر، ۱۳۸۴: ۳۱۰). از سوی دیگر، بلاغت به‌عنوان هنر متقاعدسازی و تأثیرگذاری بر مخاطب، نقش محوری در فهم کارکرد دعای ۱۴ ایفا می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۵۵). در این پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به‌عنوان ابزاری مشخص به کار گرفته می‌شود تا روابط قدرت پنهان در زبان دعا را آشکار سازد. برای مثال، انتخاب راهبرد انحصار شکایت به خداوند نه تنها یک کنش دینی، بلکه یک کنش سیاسی است که مشروعیت نظام‌های قضایی غیرالهی را به چالش می‌کشد و قدرت را از

^۱ Sensitizing Concepts

^۲ Cultivation Theory



حاکم ظالم به خداوند منتقل می‌کند. این تحلیل به ما کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان مقاومت را در ساختار زبانی و بلاغی دعا کشف کنیم.

۲-۱-۲. نظریه‌های مقاومت: مقاومت، نه تنها به معنای تقابل فیزیکی، بلکه شامل طیف وسیعی از کنش‌های نرم، مدنی و معنوی است که هدف آن‌ها مقابله با ظلم و حفظ هویت و ارزش‌هاست. مقاومت نرم، بر استفاده از ابزارهای غیرخشونت‌آمیز و فرهنگی برای ایجاد تغییر تأکید دارد (Sharp, 1973). مقاومت مدنی و معنوی نیز بر پای‌بندی به اصول اخلاقی و معنوی در برابر ستم، و تقویت روحیه پایداری درونی تمرکز می‌کند (Frankl, 1984). دعای چهاردهم صحیفه سجاده، نمونه‌ای بارز از این نوع مقاومت معنوی است که در شرایط خفقان، به مظلومان امکان ابراز درد، دادخواهی و بازیابی توان درونی را می‌داد.

۳-۱-۲. جایگاه دعا در الهیات شیعی: دعا جایگاهی رفیع دارد و فراتر از یک عمل فردی، به عنوان مغز عبادت (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۷/۵) و سلاح مؤمن (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۸/۷) شناخته می‌شود. این تعبیر نشان‌دهنده عمق و کارکرد چندوجهی دعا در زندگی فردی و اجتماعی شیعیان است (پیشوایی، ۱۳۹۷: ۲۷۰/۱). دعا نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط با خداوند است، بلکه ابزاری برای تربیت نفس، تبیین معارف الهی، و ایجاد همبستگی اجتماعی نیز محسوب می‌شود.

۲-۲. پیشینه پژوهش

مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که اگرچه صحیفه سجاده و دعای چهاردهم آن مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است، اما رویکرد پژوهش حاضر در تحلیل آن به عنوان یک ادبیات مقاومت با استفاده از نظریه داده بنیاد، نوآورانه است.

۱-۲-۲. شرح‌ها و تفاسیر سنتی صحیفه سجاده: آثار متعددی به شرح و تفسیر صحیفه سجاده پرداخته‌اند (مانند شرح فیض کاشانی، ریاض السالکین سید علیخان مدنی و...). این آثار، زیربنای فهم اولیه مضامین و معارف دعا را فراهم می‌آورند، اما عمدتاً رویکردی تفسیری و نه تحلیل ارتباطی-راهبردی دارند و به بررسی چگونگی کارکرد دعا به عنوان یک ابزار مقاومت نپرداخته‌اند.

۲-۲-۲. تحقیقات موضوعی پیرامون صحیفه سجاده: پژوهش‌های موضوعی نیز در حوزه‌های مختلفی مانند اخلاق، عرفان و علوم سیاسی به صحیفه سجاده پرداخته‌اند؛ با این حال، کمتر پژوهشی به طور خاص بر راهبردهای ارتباطی و بلاغی نهفته در ادعیه، به ویژه دعای ۱۴، با تمرکز بر مفهوم ادبیات مقاومت و با استفاده از روش گراند تئوری متمرکز شده است.



۳-۲-۲. ادبیات مقاومت در شعر فارسی و تحلیل گفتمان جنبش‌ها: پژوهش‌هایی در زمینه ادبیات مقاومت در شعر فارسی یا تحلیل گفتمان جنبش‌های اجتماعی وجود دارد که هم‌سویی کلی با رویکرد این پژوهش دارند؛ با این حال، کمتر به دعا به عنوان یک قالب ادبیات مقاومت و آن هم با روش گراندد تئوری توجه شده است.

۴-۲-۲. کاربرد گراندد تئوری در علوم اسلامی: در سال‌های اخیر، کاربرد نظریه داده بنیاد در علوم اسلامی رو به افزایش بوده است. این روش در حوزه‌هایی مانند فقه، کلام و مطالعات قرآنی برای استخراج نظریه‌های زمینه‌ای از متون دینی به کار رفته است. این رویکرد نشان‌دهنده قابلیت گراندد تئوری برای کشف مفاهیم و روابط جدید از داده‌های کیفی در زمینه مطالعات اسلامی است.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین در حوزه متون دینی و به‌ویژه متون منقول از ائمه (ع)، عمدتاً بر سه محور زیر متمرکز بوده‌اند: الف) شرح و تفسیر متنی و فقه الحدیث متون دعایی (موارد پیش‌گفته)، ب) تحلیل گفتمان متون روایی و خطابی با کارکرد سیاسی و اجتماعی (نظیر نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه: موسویان و همکاران، ۱۳۹۹؛ ذکایی و همکاران، ۱۳۹۸؛ گراوند و همکاران، ۱۴۰۱)، و ج) کارکردهای سنتی دعا در قالب آرامش‌بخشی فردی یا درمان.

افزون بر این، در حوزه نظریه داده بنیاد، سابقه کاربرد این روش در متون دینی برای استخراج مدل‌های مفهومی کم است. خلأ مهم موجود در ادبیات، عدم وجود یک نظریه نظام‌مند است که به‌طور خاص به راهبردهای ارتباطی دعا بپردازد. متون دعایی، با ساختار انشایی و نجواگونه، ماهیتاً با خطبه‌ها و نامه‌های سیاسی متفاوت‌اند. پژوهش‌های پیشین نتوانسته‌اند این تفاوت ساختاری را مبنای یک مدل نظری قرار دهند. لذا، پژوهش حاضر با اتکا به روش نظریه داده بنیاد سازنده‌گرا، تلاش می‌کند با تمرکز بر دعا به مثابه یک کنش سیاسی معنوی و ابزاری ارتباطی هوشمندانه، این خلأ را پر کرده و نشان دهد که چگونه نیایش (به‌ویژه در شرایط خفقان) می‌تواند به ابزاری برای دادخواهی معنوی، مقاومت مدنی و توانمندسازی درون‌زا تبدیل شده و به تدوین یک مدل نظری عمیق‌تر در این حوزه بیانجامد.



۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف استخراج نظریه‌ای زمینه‌ای پیرامون کارکرد دعای چهاردهم صحیفه سجاده به‌عنوان یک ادبیات مقاومت، از رویکرد کیفی و روش نظریه داده بنیاد بهره گرفته است. این رویکرد، به دلیل قابلیت خود در کشف مفاهیم، مقولات و روابط میان آن‌ها از دل داده‌های خام، برای تحلیل پدیده‌های پیچیده انسانی و اجتماعی مناسب است.

۳-۱. پارادایم نظریه داده بنیاد

در این پژوهش، از رویکرد نظریه داده بنیاد سازنده‌گرا^۱، به‌ویژه دیدگاه کتی شارمز (Charmaz, 2006)، استفاده شده است. این رویکرد metodological ریشه در پارادایم فلسفی سازنده‌گرایی دارد که بر اساس آن، نظریه نه یک کشف عینی، بلکه یک سازه (Construction) مشترک میان پژوهشگر و داده‌هاست. این دیدگاه در مقابل رویکردهای پوزیتیویستی گلنیر یا پساپوزیتیویستی استراوس و کرین (Corbin and Strauss, 2014) قرار می‌گیرد و بر نقش تفسیر و بافت تاریخی در شکل‌گیری نظریه تأکید می‌کند.

۳-۲. مراحل انجام گراند تئوری

فرایند تحلیل داده‌ها در این پژوهش، شامل سه مرحله اصلی کدگذاری بود که به‌صورت رفت و برگشتی و تکرارشونده انجام گرفت:

۳-۱-۲. کدگذاری باز^۲: در این مرحله، متن دعای چهاردهم صحیفه سجاده به‌دقت مطالعه و خط به خط تحلیل شد. هر بخش از متن که حاوی یک مفهوم یا ایده مرتبط با موضوع پژوهش بود، با یک کد اولیه برچسب‌گذاری شد. هدف در این مرحله، شکستن داده‌ها به اجزای کوچک‌تر و نام‌گذاری آن‌ها بوده است (Charmaz, 2006). درمجموع، صدها کد اولیه استخراج شد که برخی از نمونه‌های کلیدی آن‌ها عبارتند از:

دادخواهی از ستمگران؛

توسل به قدرت الهی؛

شکایت از جور حاکمان؛

طلب یاری از خداوند؛

1. Constructivist Grounded Theory
2. Open Coding



بیان مطلوبیت؛

تقویت روحیه مقاومت؛

دعوت به پایداری؛

تبیین حق و باطل؛

افشای چهره ستم

امید به نصرت الهی.

۲-۳-۲. کدگذاری محوری^۱: در این مرحله، کدهای اولیه با یکدیگر مقایسه و بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در مقولات گسترده‌تر و انتزاعی‌تری دسته‌بندی شدند. روابط میان این مقولات نیز شناسایی و تبیین گردید. به عنوان مثال، کدهای دادخواهی از ستمگران و شکایت از جور حاکمان تحت مقوله بیان ظلم و ستم قرار گرفتند.

۳-۲-۳. کدگذاری انتخابی^۲: مرحله نهایی کدگذاری، به شناسایی مقوله هسته^۳ و توسعه نظریه نهایی اختصاص داشت. مقوله هسته، مقوله‌ای است که بیشترین ارتباط را با سایر مقولات دارد و می‌تواند کل پدیده مورد مطالعه را توضیح دهد. در این پژوهش، دعا به عنوان ابزار مقاومت معنوی به عنوان مقوله هسته شناسایی شد و نظریه نهایی پیرامون چگونگی کارکرد این دعا در شرایط خفقان و ستم، با تبیین روابط میان مقولات مختلف، توسعه یافت.

۳-۳. معیارهای اعتبار و پایایی

برای اطمینان از اعتبار و پایایی یافته‌های پژوهش کیفی، از معیارهای زیر استفاده شد (Lincoln and Guba, 1985):

اعتبار: از طریق بازیابی توسط مشارکت کنندگان^۴ و تأیید یافته‌ها توسط متخصصان حوزه مطالعات اسلامی و ارتباطات، اعتبار پژوهش تضمین شد.

انتقال‌پذیری: با ارائه توصیف غنی و جزئی از بستر پژوهش و فرایند تحلیل داده‌ها، امکان انتقال یافته‌ها به سایر بافتارها فراهم شد.

1. Axial Coding
2. Selective Coding
3. Core Category
4. Member Checking



وابستگی: با ارائه گزارش دقیق و شفاف از تمامی مراحل پژوهش، از جمله فرایند کدگذاری و تصمیم‌گیری‌های پژوهشگر، قابلیت ردیابی و تکرارپذیری فرایند تحلیل تضمین شد.
 تأییدپذیری: با حفظ بی‌طرفی پژوهشگر و ارائه شواهد کافی از داده‌ها برای حمایت از یافته‌ها، تأییدپذیری نتایج حاصل شد.

۴. یافته‌های پژوهش

این بخش به ارائه تفصیلی یافته‌های حاصل از تحلیل کیفی دعای چهاردهم صحیفه سجاده، با تمرکز بر استخراج ادبیات مقاومت در برابر ظلم می‌پردازد. روش‌شناسی تحلیل، برگرفته از رویکرد گراند تئوری است که شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. در ادامه، این مراحل و نتایج مربوط به آن‌ها به‌دقت تشریح می‌شوند.

۴-۱. نتایج کدگذاری باز

کدگذاری باز، اولین مرحله تحلیل داده‌هاست که در آن، متن دعا به‌دقت واکاوی شده و مفاهیم و مقولات اولیه از آن استخراج می‌شوند. در این مرحله، هر واحد معنایی مرتبط با موضوع مقاومت در برابر ظلم شناسایی و با یک کد (برچسب مفهومی) مشخص می‌گردد. این فرایند منجر به تولید حجم زیادی از کدهای اولیه شد که در ادامه، خلاصه‌ای از مهم‌ترین آن‌ها در قالب جدول و با ذکر شواهد متنی ارائه می‌گردد.

۴-۱-۱. ارائه مفاهیم و مقولات اولیه استخراج شده از متن دعا

شماره	کد اولیه (مفهوم)	شاهد متنی (عبارت دقیق دعا)	تبیین مختصر
۱	«یا مَنْ لَا يُخْفِي عَنْهُ أَعْيَاءُ الْمُظْلَمِينَ»	خداوند از تمامی اخبار و احوال مظلومان آگاه است.	
۲	«وَيَا مَنْ لَا يَخْتِاجُ فِي قَضَائِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ»	خداوند برای آگاهی از ستم، نیازی به گواهی دیگران ندارد.	
۳	«وَيَا مَنْ قَرِيبَتْ نَصْرُهُ مِنَ الْمُظْلُومِينَ»	یاری خداوند به مظلومان بسیار نزدیک است.	



۴	دوری کمک از ظالم	«و یا مَنْ بَعْدَ عَوْثُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ»	کمک و یاری خداوند از ستمگران دور است.
۵	آگاهی الهی از ظلم خاص	«قَدْ عَلِمْتَ يَا إِلَهِي، مَا نَأْنِي مِنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ»	خداوند دقیقاً می‌داند که چه ستمی از سوی چه کسی بر فرد رفته است.
۶	نقض محارم الهی توسط ظالم	«مِمَّا حَظَرْتَ، وَأَنْتَ هَكَه مَنِّي مِمَّا حَجَرْتَ عَلَيْهِ»	ظالم به آنچه خدا حرام و ممنوع کرده، تجاوز کرده است.
۷	بطر در نعمت	«بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ»	علت ظلم، فخرفروشی و ناسپاسی ظالم در نعمتی است که خدا به او داده.
۸	غفلت از کیفر الهی	«وَأَغْتَرَارًا بِتَكْثِيرِكَ عَلَيْهِ»	ظالم از عقوبت و عذاب الهی غافل و فریب خورده است.
۹	درخواست بازدارندگی ظالم	«خُذْ ظَالِمِي وَ عَدَوِي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ»	خداوند ظالم را با قدرت خویش از ادامه ستم بازدارد.
۱۰	درخواست شکستن قدرت ظالم	«وَأَهْلِلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ»	تیزی و شدت ستم ظالم را با قدرت الهی بشکند.
۱۱	درخواست مشغول‌سازی ظالم	«وَأَجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ»	ظالم به امور خودش مشغول شود و فرصت ظلم را از دست بدهد.
۱۲	درخواست ناتوانی ظالم	«وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ»	ظالم در برابر آنکه با او دشمنی می‌کند، ناتوان شود.
۱۳	عدم جواز ظلم بر مظلوم	«وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي»	خداوند اجازه ندهد که ستم بر من روا داشته شود.



۱۴	طلب کمک مؤثر	«وَ أَحْسِنُ عَلَيْهِ عَوْنِي»	کمکم در برابر ظالم نیکو و مؤثر باشد.
۱۵	مصونیت از ستمگری	«وَأَعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَعْمَالِهِ»	خداوند مرا از انجام کارهایی شبیه به اعمال ظالم حفظ کند.
۱۶	عدم قرار گرفتن در حال ظالم	«وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ»	مرا در وضعیتی که ظالم در آن است، قرار نده.
۱۷	درخواست نصرت فوری و شفا	«وَأَعِدْنِي عَلَيْهِ عِدْوِي حَاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً»	یاری فوری که تسکین دهنده خشم من از او باشد.
۱۸	جبران الهی با عفو و رحمت	«وَ عَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوُكَ، وَ ابْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحْمَتِكَ»	به جای ستم او، عفو و رحمت را به من عطا کن.
۱۹	ناچیز بودن مصیبت در برابر غضب الهی	«فَكُلُّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ»	هر سختی و ناگواری در برابر غضب تو ناچیز است.
۲۰	حفظ از ظالم بودن	«فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ»	همان طور که نمی پسندی بر من ظلم شود، مرا از ظالم بودن حفظ کن.
۲۱	انحصار شکایت به خداوند	«اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ»	تنها به تو شکایت می کنم، نه به کسی جز تو.
۲۲	انحصار استعانت به خداوند	«وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ»	از هیچ حاکم دیگری جز تو یاری نمی طلبم.
۲۳	درخواست اجابت دعا	«وَ صِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ»	دعایم را به اجابت برسان.



۲۴	پیوند شکایت با تغییر وضعیت	«وَأَقِرْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ»	شکایت را با تغییر وضعیت همراه کن.
۲۵	حفظ از ناامیدی (مظلوم)	«لَا تُفْقِنِي بِالْقُتُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ»	مرا با ناامیدی از عدلت آزمایش نکن.
۲۶	حفظ ظالم از امنیت کاذب	«وَلَا تُفْقِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ انْكَارِكَ، فَيَصِرَ عَلَى ظُلْمِي»	او را با امنیت از کفرت آزمایش نکن که بر ظلمش اصرار ورزد.
۲۷	آگاهی از وعده به ظالمین	«وَعَرِّفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ»	او را به زودی از آنچه برای ظالمین وعده داده‌ای، آگاه کن.
۲۸	آگاهی از وعده به مضطربین	«وَعَرِّفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنَ الْجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ»	مرا از آنچه برای اجابت مضطربین وعده داده‌ای، آگاه کن.
۲۹	توفیق در پذیرش قضا	«وَوَفَّقْنِي لِقَبُولِ قَضَائِي وَعَلَى»	مرا برای پذیرش هر آنچه برایم مقرر کرده‌ای، توفیق بده.
۳۰	رضایت به تقدیر الهی	«وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِثِّي»	مرا به آنچه برایم گرفته‌ای یا به من داده‌ای، راضی گردان.
۳۱	هدایت به راه راست‌تر	«وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»	مرا به راهی که راست‌تر و درست‌تر است، هدایت کن.
۳۲	کاربست در سالم‌ترین عمل	«وَأَسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ»	مرا در آنچه سالم‌ترین و بی‌خطرترین عمل است، به کار گیر.
۳۳	صبر دائم در تأخیر اجابت	«وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِبَيَّةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ»	با نیت صادق و صبر پایدار مرا یاری کن (در صورت تأخیر).



۳۴	پناه از حرص و طمع	«وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَ هَلَعَ أَهْلِ الْجُرْصِ»	مرا از بدخواهی و بی‌قراری اهل حرص پناه ده.
۳۵	تصویرسازی پاداش و عقاب	«وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ أَعِدِّدْ لِي خِصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ»	پاداش خودم و مجازات ظالم را در قلبم مجسم کن.
۳۶	قناعت و اعتماد بر انتخاب الهی	«وَأَجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَ ثِقَتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ»	آن را عامل قناعت و اعتماد به قضای تو قرار ده.

۴-۱-۲. تبیین نمونه‌هایی از هر مقوله با ذکر شواهد متنی

- **مثال از کد ۱ (علم مطلق الهی):** عبارت «يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَطَلِّمِينَ» به‌وضوح نشان می‌دهد که دعا با تکیه بر این باور آغاز می‌شود که خداوند نه تنها از وضعیت مظلومان آگاه است، بلکه هیچ خبری از آن‌ها بر او پنهان نمی‌ماند. این آگاهی، فراگیر و شامل جزئی‌ترین رنج‌ها و ستم‌هاست، حتی بدون نیاز به گزارش یا شهادت از سوی دیگران که در عبارت «وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَضَائِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ» منعکس شده است. این تبیین درونی، اولین منبع آرامش و امید برای مظلوم است.
- **مثال از کد ۹ و ۱۰ (درخواست بازدارندگی و شکستن قدرت ظالم):** عبارت «خُذْ ظَالِمِي وَ عَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَ أَفْلُلْ حَذَّةً عَنِّي بِقُدْرَتِكَ» نمونه‌ای روشن از درخواست‌های قدرتمند و ایجابی برای مهار ظالم هستند. «خُذْ» به معنای بازداشتن و گرفتن اختیار از ظالم است، و «أَفْلُلْ حَذَّةً» به معنای شکستن تیزی و شدت قدرت او. این درخواست‌ها نشان می‌دهند که مظلوم، علاوه بر شکایت، به‌طور فعالانه خواهان مداخله مستقیم الهی برای بی‌اثر کردن قدرت ستمگر است.
- **مثال از کد ۲۰ (حفظ از ظالم بودن):** عبارت «فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ» یک بعد اخلاقی عمیق را آشکار می‌کند. مظلوم در اوج رنجش و درخواست دادخواهی، از خداوند می‌خواهد که او را از تبدیل شدن به یک ظالم حفظ کند. این نشان‌دهنده هوشیاری نسبت به دور باطل ستم و تمایل به حفظ طهارت اخلاقی حتی در شرایط دشوار است.



۳-۴. نتایج کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری، کدهای اولیه استخراج شده در مرحله قبل، بر اساس شباهت‌های مفهومی با یکدیگر مقایسه و در مقولات انتزاعی‌تر ادغام شدند. سپس این مقولات بر اساس پارادایم کدگذاری (شامل شرایط علی، زمینه‌ای، پدیده مرکزی، راهبردها و پیامدها) سازماندهی شدند تا روابط نظام‌مند میان آن‌ها آشکار شود. برای مثال، کدهای اولیه‌ای همچون علم مطلق الهی (کد ۱)، قدرت مطلق الهی (بخشی از کد ۹) و نصرت نزدیک به مظلوم (کد ۳)، همگی به باورهای بنیادین مظلوم درباره خداوند اشاره داشتند و پس از مقایسه، در مقوله محوری جهان‌بینی توحیدی دادخواهانه دسته‌بندی شدند که در مدل نهایی، نقش شرایط علی را ایفا می‌کند. این فرایند برای تمامی مقولات تکرار شد تا مدل نظری نهایی شکل گیرد. این فرایند، منجر به شناسایی پنج مقوله اصلی شد که هر یک ابعاد مختلف ادبیات مقاومت را بازنمایی می‌کنند:

الف) مقوله ۱: جهان‌بینی توحیدی دادخواهانه (شرایط علی)

شرایط علی در نظریه داده‌بنیاد، به رویدادها یا عواملی اطلاق می‌شود که مستقیماً منجر به وقوع یا توسعه پدیده مرکزی (در اینجا، دادخواهی معنوی) می‌گردند. مقوله جهان‌بینی توحیدی دادخواهانه، مجموعه‌ای از مفاهیم سطح بالاتر است که نظام فکری و باورهای زیرساختی مظلوم در خصوص عدل و قدرت مطلق الهی را تبیین می‌کند. این مقوله، سنگ بنای ادبیات مقاومت در این دعاست و شامل کدهایی است که بیانگر باورهای بنیادین مظلوم در مورد خداوند و عدل الهی اوست. این باورها، نه تنها زمینه را برای شکل‌گیری و پذیرش ادبیات مقاومت فراهم می‌کنند، بلکه به مثابه شرایط علی، حس دادخواهی و توانمندی درونی را در مظلوم ایجاد می‌کنند. این جهان‌بینی، منبع اصلی قدرت و اطمینان مظلوم در برابر ستم است.

مقولات فرعی

• ۱.۱. علم و احاطه مطلق الهی

○ **کدها:** «یا مَنْ لَا يُخْفِي عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُظْلَمِينَ»، «وَأَيُّ مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى

شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ»، «قَدْ عَلِمْتُ يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ قُلَانِ بْنِ قُلَانٍ».

○ **تبیین علمی:** این زیرمقوله بر احاطه کامل علمی خداوند بر جزئیات ستم‌ها

(مفاهیم «لَا يُخْفِي» و «لَا يَحْتَاجُ») تأکید دارد. این باور، اطمینان می‌دهد که



رنجش مظلوم نادیده گرفته نمی‌شود و به او امید درونی می‌بخشد. برای ظالم نیز، این علم الهی به مثابه یک سیستم پایش دائمی و بدون خطا عمل می‌کند که اعمالش را ثبت می‌نماید.

• ۱.۲. قدرت و مالکیت مطلق الهی

- **کدها:** «خُذْ ظَالِمِي وَعَذَوِي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ»، «وَ أَقْلَلْ حُدَّةَ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله بر قدرت و مالکیت مطلق الهی (بِقُوَّتِكَ، بِقُدْرَتِكَ) تأکید دارد. این باور، حس ناتوانی را از مظلوم سلب کرده و او را به پشتیبانی لایتناهی متصل می‌کند که روان‌شناختی به کاهش استرس و افزایش اعتماد به نفس برای درخواست کمک می‌انجامد.

• ۱.۳. عدل حتمی الهی و تقابل با ظلم:

- **کدها:** «وَ يَا مَنْ قَرَّبْتُ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ، وَ يَا مَنْ بَعَدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ»، «وَ عَزَفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَ عَزَفَنِي مَا وَعَدْتَ مِنَ إِبْرَاجَةِ الْمُضْطَرِّينَ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله عدل الهی را اصلی اساسی می‌داند که در آن خداوند همواره در جبهه مظلوم است (نزدیکی نصرت به مظلوم، دوری کمک از ظالم). این باور به مظلوم اطمینان می‌دهد که تنها نیست و سیستم کیهانی بر پایه عدالت استوار است. شناخت وعده‌های الهی (عذاب ظالمین، اجابت مضطربین) انتظارات مشخصی را شکل داده و به تسکین روانی و تقویت صبر مظلوم می‌انجامد.

(ب) مقوله ۲: پدیده ظلم و انگیزه ستم (شرایط زمینه‌ای)

شرایط زمینه‌ای به بستر و زمینه خاصی اشاره دارند که پدیده مرکزی در آن رخ می‌دهد و بر راهبردهای اتخاذشده برای مدیریت آن تأثیر می‌گذارند. این مقوله به توصیف ماهیت ظلم و عوامل ریشه‌ای آن از دیدگاه دعای ۱۴ صحیفه سجادیه می‌پردازد. درک این عوامل، به مظلوم در تحلیل وضعیت خود کمک می‌کند و او را از سرزنش خویش یا تصور نقص در خود دور می‌کند. این مقوله به مثابه شرایط زمینه‌ای عمل می‌کند که بستر بروز ظلم را توضیح می‌دهد.



مقولات فرعی:

• ۲.۱. تجاوز و نقض حدود الهی

- **کدها:** «ما نَأْتِي مِنْ قُلَانٍ بِنِ قُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ، وَاتَّهَكَّهُ مَنِّي مِمَّا حَجَرْتَ عَلَيْهِ».
- **تبیین علمی:** ظلم در اینجا نقض حدود و حریم‌های الهی (حظرت، حجرت) تعریف می‌شود، نه صرفاً تعدی به حقوق فردی. این چارچوب فکری به مظلوم کمک می‌کند تا ظلم را نه نتیجه ضعف خود، بلکه تجاوز ظالم به قوانین هستی تلقی کند که بار روانی قربانی‌بودن را کاهش داده و مسئولیت را به ظالم نسبت می‌دهد.

• ۲.۲. طغیان و غفلت ظالم

- **کدها:** «بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَاغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله ریشه‌های روان‌شناختی و معنوی ظلم را در «بطر» (طغیان در نعمت) و «اغترار» (غفلت از عقاب الهی) می‌داند. این تحلیل به مظلوم کمک می‌کند تا وضعیت ظالم را نه قدرت مطلق، بلکه حالتی ناپایدار و آسیب‌پذیر درک کند که حس کینه‌ورزی را کاهش داده و نگاهی همدلانه به وضعیت روحی ظالم فراهم می‌آورد.

ج) مقوله ۳: راهبردهای دادخواهی معنوی (پدیده مرکزی/راهبردهای تعاملی)

این مقوله، هسته اصلی ادبیات مقاومت است و به شیوه‌های عملی و زبانی اشاره دارد که مظلوم برای مقابله با ظلم از طریق دعا به کار می‌گیرد. این‌ها پدیده مرکزی و راهبردهای تعاملی هستند که امام سجاد(ع) به مظلوم آموزش می‌دهند تا با فعال کردن قوای روحی و معنوی خود، به مقابله با ظلم بپردازد.

مقولات فرعی:

• ۳.۱. انحصار شکایت و استعانت به خداوند

- **کدها:** «اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله بر توحید در دادخواهی و نفی واسطه (لا أَشْكُو، لا أَسْتَعِينُ) تأکید دارد، که اوج توکل و اعتماد مطلق به خداوند است. این راهبردی



عملی برای تقویت استقلال و عدم وابستگی به قدرت‌های زمینی است که انرژی روحی مظلوم را به سمت منبع اصلی قدرت هدایت می‌کند.

• ۳.۲. درخواست‌های ایجابی برای مهار و تضعیف ظالم

- **کدها:** «خُذْ ظَالِمِي وَ عَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ»، «وَ أَفْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ»، «وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ»، «وَ عَجِزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله شامل مطالبات فعال (خذ، افلل، اجعل له شغلًا، عجزًا) از خداوند برای مهار قدرت ظالم است. این راهبرد به مظلوم اجازه می‌دهد به قدرت فرامادی متوسل شود و از خداوند بخواهد ظالم را از ادامه ستم بازدارد. این نوع دعا، حس کنترل و عاملیت را در مظلوم تقویت می‌کند.

• ۳.۳. درخواست‌های سلبی و حفاظتی برای مصونیت مظلوم

- **کدها:** «وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي»، «وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي»، «وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ»، «وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله شامل درخواست‌های حفاظتی (لاتسوغ، احسن علیه عونی، اعصمنی، لاتجعلنی) برای مصون‌سازی مظلوم از تأثیرات مخرب ظلم است. این دعا بر حفاظت درونی و اخلاقی (اعصمنی من مثل افعاله، لاتجعلنی فی مثل حاله) نیز تأکید دارد. این نگرش پیشگیرانه اخلاقی، هدفش جلوگیری از چرخه ظلم و تبدیل قربانی به ستمگر است و تربیت نفس را در کنار دادخواهی قرار می‌دهد.

• ۳.۴. طلب نصرت فوری و تسکین دهنده

- **کدها:** «وَاعِدْنِي عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَفَاءً».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله بیانگر نیاز روان‌شناختی فوری مظلوم به تسکین است. درخواست «عدوی حاضرۀ» (انتقامی حاضر/فوری) که «شفاء» برای غیظ و «وفاء» برای حق باشد، درک عمیق دعا از بار عاطفی ظلم را نشان می‌دهد. هدف، بازسازی تعادل روانی و کاهش تأثیرات مخرب خشم و اندوه بر مظلوم است و مکانیسم مقابله‌ای برای مدیریت هیجانات منفی فراهم می‌آورد.

• ۳.۵. طلب اجابت و تغییر وضعیت



- **کدها:** «فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَأَقْرِنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله بر اثرگذاری عینی و عملی دعا تأکید دارد. «صل دعائی بالاجابة» و «اقرن شکایتی بالتغییر» نشان‌دهنده انتظار مظلوم برای تحقق خارجی پاسخ الهی است. این درخواست، دعا را ابزاری برای تغییر واقعیت بیرونی تبدیل می‌کند، که به مظلوم اطمینان می‌دهد دعایش بی‌اثر نخواهد بود و انگیزه‌ای قوی برای ادامه مقاومت است.

د) مقوله ۴: بازتنظیم درونی و رضایت (راهبردهای تعاملی/واکنشی)

این مقوله به مجموعه راهبردهای درونی و تغییر نگرش‌ها در مظلوم می‌پردازد که نه تنها به او در مقابله فعالانه با ظلم کمک می‌کنند، بلکه به او امکان می‌دهند تا با رضایت و آرامش با تقدیر الهی کنار بیاید و رشد معنوی یابد. این مقوله نشان‌دهنده مکانیسم‌های تطبیقی عمیقی است که دعا ارائه می‌دهد.

مقولات فرعی

- ۴.۱. جبران الهی و ارزش‌گذاری مصیبت
 - **کدها:** «وَعَوْضُنِي مِنْ ظُلْمِي لِي عَفْوُكَ، وَابْدِلْنِي بِشَوْءٍ صَنِيعِهِ بِرَحْمَتِكَ»، «فَكُلُّ مَكْرُوءٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ، وَكُلُّ مَرْزُوءَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِكَ».
 - **تبیین علمی:** این زیرمقوله بر تبدیل تهدید به فرصت و دیدگاه پادشاه محور نسبت به رنج تمرکز دارد. درخواست «عوضنی عفوک» نشان‌دهنده باور به جبران رنج دنیوی با پادشاهی معنوی است. مقایسه رنج با سخط الهی، مصیبت را کوچک انگاشته و آن را آزمونی برای رشد تلقی می‌کند. این دیدگاه به مظلوم کمک می‌کند از یأس‌رهایی یافته و به جای فقدان، به کسب پادشاه و رحمت الهی بیندیشد.
- ۴.۲. التزام به عدالت فردی و پناه از طمع
 - **کدها:** «فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ»، «وَأَعِزَّنِي مِنَ سُوءِ الرِّغْبَةِ وَهَلَعَ أَهْلِ الْجَرْصِ».
 - **تبیین علمی:** این زیرمقوله بر مسئولیت‌پذیری اخلاقی فردی و پیشگیری از ستمگری تمرکز دارد. عبارت «فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ» نشان می‌دهد که مظلوم، با وجود



رنج از ظلم، به اصول اخلاقی پای بند است و نمی‌خواهد خود به ظالم تبدیل شود. این نکته تربیتی عمیق، به اصلاح درون مظلوم نیز توجه دارد. پناه‌بردن از «سوء الرغبة» و «هلع اهل الحرص» به حفظ سلامت روان و اخلاق مظلوم کمک می‌کند تا تحت تأثیر رنج و تمایل به انتقام، به اعمال نادرست کشیده نشود.

• ۴.۳. پذیرش تقدیر و رضایت الهی

- **کدها:** «وَوَفَّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَ رَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَ مِنِّي»، «وَأَجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَ تَقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ».
- **تبیین علمی:** این زیرمقوله اوج تسلیم و آرامش روان‌شناختی در برابر مشیت الهی است. درخواست «توفیق در قبول قضا» و «رضایت به آنچه گرفته‌شده یا داده‌شده»، نشان‌دهنده بلوغ معنوی مظلوم است. این پذیرش، به معنای حذف رنج درونی ناشی از عدم پذیرش واقعیت است. پیوند این پذیرش با «قناعت» و «وُثُوق» (اعتماد) به انتخاب الهی، به مظلوم حس امنیت وجودی می‌بخشد و به کاهش اضطراب آینده و تقویت تاب‌آوری در برابر ناملايمات کمک می‌کند.

ه) مقوله ۵: پیامدهای تحول آفرین (پیامدها)

این مقوله به نتایج و دستاوردهای ناشی از اتخاذ ادبیات مقاومت و پیروی از راهبردهای دادخواهی معنوی می‌پردازد. این پیامدها می‌توانند هم در سطح فردی (برای مظلوم) و هم در سطح کلی‌تر (برای وضعیت ظلم) رخ دهند و به‌مثابه پیامدهای این فرایند عمل می‌کنند.

مقولات فرعی:

• ۵.۱. دستیابی به آرامش و شفاي روان

- **کدها:** «تَكُونُ مِنْ غِيظِي بِهِ شِفَاءً، وَ مِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً»، «صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتُ لِي مِنْ ثَوَابِكَ».
- **تبیین علمی:** یکی از مهم‌ترین پیامدها، تسکین و شفاي روحی مظلوم است. اجابت دعا که منجر به «شفا» برای خشم و «وفا» برای غیظ می‌شود، به بازسازی تعادل هیجانی کمک می‌کند. «تصویرسازی پاداش اخروی» نه تنها یک انگیزه بیرونی است، بلکه یک تکنیک شناختی برای کاهش ناراحتی فعلی است. این امر به



مظلوم کمک می‌کند تا احساس عدالتی پایدار را در خود پرورش دهد و از افسردگی و یأس مزمن جلوگیری کند.

• ۵.۲. افزایش استقامت و بصیرت اخلاقی

○ **کدها:** «وَأَيَّدَنِي مِثْلُ بَيْتَةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ»، «وَأَهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمٌ».

○ **تبیین علمی:** اتخاذ راهبردهای دادخواهی معنوی منجر به تقویت ظرفیت‌های درونی می‌شود. درخواست «نیت صادق» و «صبر دائم» به مظلوم توانایی استمرار در مسیر دادخواهی و مقاومت می‌دهد. «هدایت به راه راست‌تر» و «به‌کارگیری در سالم‌ترین عمل» نشان‌دهنده افزایش بصیرت اخلاقی و توانایی تمییز حق از باطل است. این پیامدها به مظلوم کمک می‌کنند تا نه تنها در برابر ظلم مقاومت کند، بلکه از نظر اخلاقی نیز رشد یابد.

• ۵.۳. تغییر واقعی وضعیت ظلم (دنیوی و اخروی)

○ **کدها:** «وَأَقْرُنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ»، «وَعَرِّفْهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدَتْ الظَّالِمِينَ».

○ **تبیین علمی:** نهایی‌ترین پیامد این ادبیات، تغییر در وضعیت ستم است. این تغییر می‌تواند در قالب مداخله الهی در همین دنیا («اقرن شکایتی بالتغییر») یا در قالب عقاب اخروی برای ظالم و پاداش اخروی برای مظلوم باشد. «شناخت وعده‌های الهی» برای ظالمان (عذاب) و برای مضطربین (اجابت) به شکل‌گیری یک چارچوب زمانی و اخلاقی برای پیامدهای ظلم کمک می‌کند. این پیامد، نه تنها به مظلوم امید می‌دهد، بلکه برای ظالم نیز هشدار نهایی است که اعمالش بدون مجازات نخواهند ماند.

۴.۳. نتایج کدگذاری انتخابی

در این مرحله، مقوله اصلی^۱ شناسایی و ارتباط آن با سایر مقولات در یک مدل نظری جامع تبیین می‌شود.

۴.۳.۱. معرفی مقوله اصلی - ادبیات مقاومت

مقوله اصلی و فراگیر در این پژوهش، تحت عنوان ادبیات مقاومت: دادخواهی توحیدی و توانمندسازی درون‌زا در برابر ظلم شناسایی شد. این مقوله، چارچوبی نظری برای درک جامع چگونگی مقابله با ستم از



¹ Core Category

منظر دعای چهاردهم صحیفه سجادیه ارائه می‌دهد. ادبیات مقاومت فراتر از یک عمل انفعالی یا صرفاً شکایت است؛ این یک رویکرد فعال، هوشمندانه و معنوی است که مظلوم را به سمت بازپس‌گیری قدرت درونی و طلب عدالت از منبع غایی هستی رهنمون می‌سازد.

۴.۳.۲. شرح جامع و تفصیلی مقوله اصلی و ارتباط آن با سایر مقولات

ادبیات مقاومت در دعای ۱۴ صحیفه سجادیه، شامل یک فرایند سیستماتیک است که از باورهای عمیق توحیدی (شرایط علی) نشأت می‌گیرد. این باورها، به مظلوم این اطمینان را می‌دهند که ستم او در نظام عدل الهی (شرایط زمینه‌ای) نادیده گرفته نخواهد شد و این آگاهی، او را قادر می‌سازد تا ظلم را نه به‌عنوان یک نقص شخصی، بلکه به‌عنوان تجاوز به حدود الهی (شرایط زمینه‌ای) درک کند.

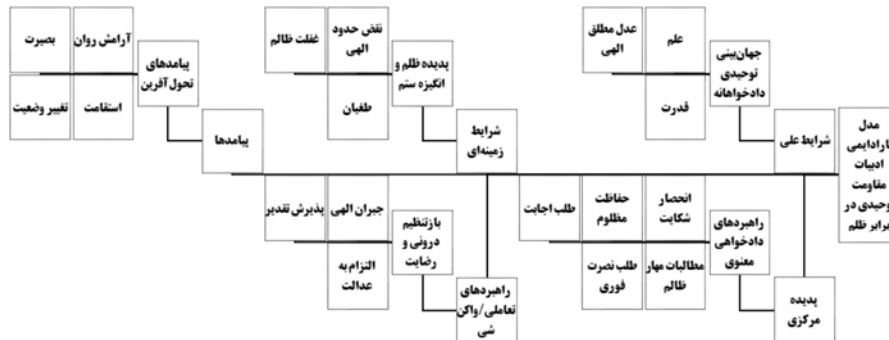
در قلب این ادبیات، راهبردهای دادخواهی معنوی (پدیده مرکزی) قرار دارند. این راهبردها، بیانگر فعالیت‌های ارتباطی و درخواستی مظلوم با خداوند هستند. این شامل انحصار مطلق شکایت و استعانت به خداوند، مطالبات صریح و قدرتمند برای مهار و تضعیف ظالم، و درعین حال، درخواست‌های حفاظتی برای مصونیت اخلاقی و روانی خود مظلوم است. این راهبردها، نه تنها به دنبال تغییر وضعیت بیرونی ظلم هستند، بلکه بر تسکین فوری خشم و طلب اجابت عینی نیز تأکید دارند.

هم‌زمان با به‌کارگیری این راهبردها، مظلوم به مجموعه‌ای از بازتنظیم‌های درونی و رضایت (راهبردهای تعاملی/واکنشی) می‌پردازد. این شامل تغییر نگاه به مصیبت با تکیه بر جبران الهی، حفظ خود از آلودگی به ستمگری، و نهایتاً پذیرش توأم با آرامش تقدیر الهی است. این بازتنظیم‌ها به مظلوم کمک می‌کنند تا در عین پیگیری دادخواهی، به سلامت روان و رشد معنوی دست یابد.

در نتیجه این فرایند، پیامدهای تحول‌آفرین (پیامدها) آشکار می‌شوند. این پیامدها شامل آرامش روانی، افزایش تاب‌آوری و استقامت، رشد بصیرت اخلاقی، و درنهایت، تحقق عدالت در سطوح مختلف (دنیوی و اخروی) برای مظلوم و ظالم هستند. بنابراین، ادبیات مقاومت یک مدل جامع است که از باور آغاز می‌شود، از طریق عمل (دعا) پیش می‌رود، به تحول درونی منجر می‌شود و درنهایت، به تحقق عدالت و آرامش ختم می‌گردد.



۴.۳.۳. ارائه مدل یا پارادایم نظری تبیین کننده ادبیات مقاومت بر اساس دعای ۱۴



شرح مدل

این مدل نشان می‌دهد که ادبیات مقاومت یک فرایند پویا و چندوجهی است. جهان‌بینی توحیدی دادخواهانه (شرایط علی) به‌عنوان بستر فکری و اعتقادی، زمینه را برای آغاز و تداوم مقاومت فراهم می‌آورد. این جهان‌بینی، در مواجهه با پدیده ظلم و انگیزه ستم (شرایط زمینه‌ای) که ماهیت و ریشه‌های ستم را توضیح می‌دهد، فعال می‌شود.

هسته اصلی این مدل، راهبردهای دادخواهی معنوی (پدیده مرکزی) است که شامل کنش‌ها و درخواست‌های مستقیم مظلوم از خداوند است. این راهبردها، خود تحت‌تأثیر شرایط علی و زمینه‌ای قرار دارند و همچنین، بر بازتنظیم درونی و رضایت (راهبردهای تعاملی/واکنشی) اثر می‌گذارند. این راهبردها، که بر تغییر نگرش و مدیریت درونی تمرکز دارند، هم‌زمان با دادخواهی بیرونی، به مظلوم کمک می‌کنند تا تعادل خود را حفظ کند و رشد معنوی یابد.

درنهایت، نتایج این فرایند جامع، به شکل پیامدهای تحول‌آفرین (پیامدها) ظاهر می‌شوند که شامل دستاوردهای روانی، اخلاقی، و واقعی (دنیوی و اخروی) برای مظلوم و حتی ظالم (عقوبت) است. این مدل، تصویری کل‌نگر از چگونگی کنش متقابل باورها، شرایط، راهبردها و پیامدها در شکل‌گیری ادبیات مقاومت از منظر دعای چهاردهم صحیفه سجادیه ارائه می‌دهد.



۴.۴. تحلیل محتوایی راهبردهای ارتباطی شناسایی شده

علاوه بر ساختار مفهومی که در کدگذاری‌ها آشکار شد، دعای چهاردهم از راهبردهای ارتباطی و بلاغی خاصی بهره می‌برد که قدرت و تأثیر آن را در زمینه ادبیات مقاومت دوچندان می‌کند. این راهبردها، نحوه بیان و شکل‌گیری ارتباط مظلوم با خداوند را مشخص می‌کنند:

۴.۴.۱. راهبردهای بیان مظلومیت و دادخواهی

• **توسل به علم الهی و بی‌نیازی از شاهد:** دعا با عبارتی چون «یا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ، وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَضَائِهِمْ إِلَى شَهَادَةِ الشَّاهِدِينَ» آغاز می‌شود. این رویکرد، در همان ابتدا اطمینان خاطر را در دل مظلوم می‌افکند که نیازی به توضیح طولانی یا اثبات ندارد، چرا که خداوند از تمامی جزئیات آگاه است. این امر، بار روانی مظلوم را کاهش داده و حس پناهندگی کامل را القا می‌کند.

• **اعتراف به قدرت مطلق الهی در دفع ظلم:** پس از بیان مظلومیت، دعا بلافاصله به قدرت خداوند برای مداخله اشاره دارد: «خُذْ ظَالِمِي وَ عُدُوِي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَ أَقْلِلْ حَدَّ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ». این یک اعلان توکل مطلق است که نه تنها به توانایی خداوند ایمان دارد، بلکه به او نقش دفاع‌کننده و عمل‌کننده اصلی را در برابر ظالم واگذار می‌کند.

• **شکایت مستقیم به خداوند:** عبارت صریح «اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ» نشان‌دهنده یک راهبرد انحصارگرایانه است. مظلوم تمامی مجاری شکایت زمینی را کنار می‌گذارد و تنها به درگاه الهی روی می‌آورد. این رویکرد، نه تنها تمرکز قدرت را بر خداوند نشان می‌دهد، بلکه مظلوم را از دام سازش‌های احتمالی با قدرت‌های ناعادل زمینی دور می‌سازد.

۴.۴.۲. راهبردهای طلب کمک و نصرت الهی

• **درخواست بازدارندگی از ظالم:** «خُذْ ظَالِمِي وَ عُدُوِي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ» نشان‌دهنده طلب یک عمل مستقیم و فعالانه از سوی خداوند برای جلوگیری از ادامه ظلم است. این راهبرد، به جای تحمل ستم، خواهان جلوگیری فوری از آن است.

• **طلب شکستن تیزی ستمگر:** «وَ أَقْلِلْ حَدَّ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ» تصویری قدرتمند از ناتوان‌سازی ظالم ارائه می‌دهد. این عبارت نشان می‌دهد که دعا خواهان از بین بردن قابلیت ستمگری ظالم است، حتی اگر حضور فیزیکی داشته باشد.



• درخواست مشغول سازی ظالم به خود: «وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا

يُتَاوِيهِ» یک راهبرد هوشمندانه است. به جای نابودی ظالم، دعا از خداوند می‌خواهد که او را به گونه‌ای مشغول سازد که نتواند به دیگران ستم کند. این رویکرد، می‌تواند دارای پیامدهای کمتر مخرب و درعین حال، بسیار مؤثر در جلوگیری از ظلم باشد.

۴.۴.۳. راهبردهای توانمندسازی روان‌شناختی و معنوی:

• درخواست عدم یأس از عدل الهی: «لَا تَقْنَتَنِي بِالْقُتُوبِ مِنْ إِنْصَافِكَ» یک درخواست

حیاتی برای حفظ امید در مظلوم است. این راهبرد، به مقابله با یکی از مخرب‌ترین پیامدهای ظلم (یأس و ناامیدی) می‌پردازد و بر اعتماد دائمی به عدل الهی تأکید دارد.

• تأکید بر پذیرش قضای الهی: «وَوَفَّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَ رَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ

لِي وَ مَنِي» نشان‌دهنده یک بلوغ معنوی است. مظلوم در عین دادخواهی، به مرحله‌ای از رضایت و پذیرش می‌رسد که می‌تواند با آنچه مقدر شده، کنار بیاید. این راهبرد، به کاهش رنج درونی و افزایش آرامش وجودی کمک می‌کند.

• طلب صبر و نیت صادقانه: «وَ آيِدْنِي مِنْكَ بِنَيْةٍ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ» برای شرایطی است که

اجابت فوری محقق نشود. این راهبرد، مظلوم را برای یک مقاومت طولانی مدت و پایدار آماده می‌کند و بر کیفیت درونی عمل (نیت صادق و صبر) تأکید دارد.

• تصویرسازی از پاداش الهی برای مظلوم و عقاب برای ظالم: «وَ صَوِّرْ فِي قَلْبِي

مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ أَغْدَدْتَ لِحَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ» یک تکنیک شناختی قدرتمند است. با تجسم پاداش‌های اخروی و مجازات‌های الهی، مظلوم می‌تواند از بار رنج فعلی خود بکاهد و حس عدالت نهایی را در قلب خود تقویت کند. این به حفظ سلامت روان و کاهش میل به انتقام‌جویی منفی کمک می‌کند.

۴.۴.۴. راهبردهای بلاغی و زبانی

• تکرار واژگان کلیدی (ظلم، نصرت، عدالت): تکرار کلماتی چون ظلم، ظالمی،

مظلومین، نصرت، و عدل در سراسر دعا، مفاهیم اصلی را تقویت کرده و بر محوریت موضوع دادخواهی و مقاومت تأکید می‌کند. این تکرار، هم به جذب توجه خواننده/شنونده کمک می‌کند و هم پیام اصلی دعا را در ذهن تثبیت می‌نماید.



• **استفاده از لحن تضرع و استغاثه:** لحن کلی دعا، لحنی فروتنانه، التماس‌آمیز و مملو از

نیاز است. استفاده از نداهای «یا مَنْ...» و درخواست‌های مستقیم با افعال امر (مانند «خُذْ»، «اَقْلُ»، «اجْعَلْ») و نفی (مانند «لَا تُقَتِّیْ»)، حس عجز در برابر قدرت الهی و نیاز شدید به کمک او را منتقل می‌کند.

• **بهره‌گیری از جملات خبری با کارکرد انشایی:** در بخش‌هایی از دعا، از ساختار

جمله خبری برای بیان یک درخواست استفاده می‌شود. برای مثال، عبارت «قَدْ عَلِمْتَ یا الهی، ما نألنی» (خداوند، تو خود دانسته‌ای که بر من چه رفته است)، در ظاهر خبری است، اما در باطن، نهایت تضرع و درخواست توجه را در خود دارد. این شگرد بلاغی، که در آن گوینده به دلیل اطمینان از علم مخاطب، از درخواست مستقیم صرف‌نظر می‌کند، تأثیر عاطفی عمیق‌تری دارد و رابطه صمیمانه‌تری میان دعا کننده و خداوند برقرار می‌سازد.

• **ارتباط نجواگونه مبتنی بر فرض پاسخگویی:** ماهیت دعا، ارتباطی مستقیم، شخصی

و نجواگونه است. مظلوم مستقیماً با خداوند سخن می‌گوید و او را خطاب قرار می‌دهد. این ارتباط هرچند از سوی انسان یک‌طرفه به نظر می‌رسد، اما در چارچوب الهیاتی دعا، بر این پیش‌فرض استوار است که مخاطب (خداوند) شنوا، آگاه و پاسخ‌دهنده است. درخواست صریح برای اجابت («وَصِلْ دُعائی بِالْإِجَابَةِ») این فرض را تقویت می‌کند و به این ارتباط، ماهیتی دوسویه در عالم باور می‌بخشد.

این تحلیل جامع یافته‌ها، ابعاد مختلف ادبیات مقاومت را در دعای چهاردهم نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد که این دعا، فراتر از یک درخواست ساده، یک برنامه جامع معنوی-روان‌شناختی برای مقابله با ظلم و دستیابی به عدالت و آرامش است.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف رمزگشایی از ظرفیت‌های دعای چهاردهم صحیفه سجاده به‌عنوان یک متن مقاومت انجام شد. یافته‌ها، که در قالب یک مدل نظری مبتنی بر داده‌ها ارائه گردید، نشان می‌دهد که این دعا صرفاً یک نیاز فردی برای طلب حاجت نیست، بلکه یک راهنمای عمل نظام‌مند برای کنشگری معنوی در برابر ظلم است.



۵.۱. تبیین و تفسیر یافته‌ها: مدل استخراج‌شده نشانگر یک فرایند روان‌شناختی-معنوی پنج مرحله‌ای است. سنگ‌بنای این فرایند، جهان‌بینی توحیدی است که به مظلوم اطمینان می‌دهد رنج او در نظام عادلانه هستی دیده می‌شود (شرایط علی). این باور، در برابر پدیده طغیان ظالم (شرایط زمینه‌ای) فعال شده و به مظلوم قدرت می‌دهد تا از انفعال خارج شود. هسته اصلی این مدل، راهبردهای دادخواهی معنوی (پدیده مرکزی) است که کنش‌های ارتباطی مظلوم با خداوند را شکل می‌دهد. این راهبردها صرفاً سلبی نیستند (شکایت)، بلکه ایجابی‌اند (درخواست مهار ظالم) و نشان‌دهنده عاملیت (agency) مظلوم در تغییر وضعیت‌اند. نکته برجسته این مدل، تأکید هم‌زمان بر بازتطبیق درونی (راهبردهای تعاملی) است. دعا به مظلوم می‌آموزد که هم‌زمان با دادخواهی، خود را از آلوده‌شدن به ظلم حفظ کند و به مقام رضایت برسد. این بُعد، مقاومت را از یک کنش صرفاً بیرونی به یک فرایند رشد درونی تبدیل می‌کند. نهایتاً، پیامدهای تحول‌آفرین (آرامش، استقامت و تغییر وضعیت) نشان می‌دهند که این ادبیات مقاومت، کارکردی و نتیجه‌گراست.

۵.۲. ارتباط با چارچوب نظری و دلالت‌ها: این یافته‌ها، مفهوم ادبیات مقاومت را که عموماً در متون سیاسی و حماسی جستجو می‌شود (مانند آثار قانون)، به حوزه متون عبادی و معنوی گسترش می‌دهد. این پژوهش نشان داد که مقاومت نرم (Sharp, 1973) می‌تواند ابعادی کاملاً درونی و الهیاتی داشته باشد و از طریق کنش‌های ارتباطی مانند دعا پی‌گیری شود. از منظر نظری، این پژوهش یک نظریه زمینه‌ای (Substantive Theory) ارائه می‌دهد که می‌تواند برای تحلیل سایر متون دعایی در ادیان و فرهنگ‌های مختلف به کار رود. از نظر عملی، این مدل می‌تواند در توانمندسازی روان‌شناختی افراد تحت ستم و بحران‌های اجتماعی به کار گرفته شود. نهادهای فرهنگی و دینی می‌توانند از این چارچوب برای تبیین کارکردهای اجتماعی و تاب‌آورانه دعا استفاده کنند.

۵.۳. محدودیت‌ها و پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی: این پژوهش بر روی یک دعای خاص متمرکز بود؛ بنابراین تعمیم یافته‌ها به کل صحیفه یا سایر متون دعایی باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، این تحقیق به تحلیل متن پرداخته و تأثیر عملی این دعا بر مخاطبان در طول تاریخ را نسنجیده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود:

۱. تحلیل تطبیقی: راهبردهای مقاومت در این دعا با سایر دعا‌های صحیفه (مانند دعای بیستم مکارم الاخلاق) یا متون مقاومت در ادیان دیگر مقایسه شود.



۲. پژوهش‌های دریافت-محور: با استفاده از روش‌های تاریخی یا مصاحبه، تأثیر این دعا بر روحیه و کشمگری شیعیان در دوره‌های مختلف تاریخی بررسی شود.
۳. تحلیل زبان‌شناختی: با ابزارهای دقیق‌تر زبان‌شناسی شناختی یا تحلیل استعاره، سازوکارهای اقناعی و تأثیرگذاری این دعا بر ذهن مخاطب واکاوی گردد.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۴). «طرح و توضیح چند سوال درباره مبانی ادبیات پایداری». **نامه پایداری**. کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- بنیاد دائرة المعارف اسلامی. (۱۳۸۶). **دانشنامه جهان اسلام**. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۹۷). **سیره پیشوایان**. با مقدمه جعفر سبحانی تبریزی. ج. ۱. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ترابی، احمد. (۱۳۸۸). **امام سجاد علیه السلام جمال نیایشگران**. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- جعفریان، رسول. (بی‌تا). **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام**. انصاریان.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- رضوانی، روح‌الله. (۱۳۹۱). **مبانی کلامی اعجاز قرآن**. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- سبحانی تبریزی، جعفر و محمدعیسی جعفری. (۱۳۷۸). **فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی**. ج. ۱. قم: توحید.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). «ادبیات پایداری» **شعر**، ۳۹ (۱۲): ۵۳-۴۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). **شیعه در اسلام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فانون، فرانتس. (۱۳۳۶). **دوزخیان روی زمین**. با ژان پل سارتر. ترجمه علی شریعتی. اهواز: تلاش.
- لیتل جان، استیفن. (۱۳۹۷). **تئوری‌های ارتباطات انسانی**. ترجمه علی رستمی. تهران: روزنه.
- مک‌کویل، دنیس. (۱۳۸۹). **درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی**. ترجمه پرویز اجاللی. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل**. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- Birks, Melanie, and Jane Mills. 2015. *Grounded Theory: A Practical Guide*. SAGE Publications.
- Charmaz, Kathy. 2006. *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. SAGE Publications Ltd.
- Corbin, Juliet, and Anselm Strauss. 2014. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. SAGE Publications.



- Frankl, Viktor E. 1984. *Mans Search for Meaning*. New York : Washington.
- Glaser, Barney G. 1978. *Theoretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded Theory*. Sociology Press.
- Lincoln, Yvonna S., and Egon G. Guba. 1985. *Naturalistic Inquiry*. SAGE.
- Sharp, Gene. 1973. *The Politics of Nonviolent Action*. Boston : Porter Sargent.

